

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یوری امیلیانوف - (Yuri Emelyanov)

برگردان از: ا. م. شیری

۲۲ دسمبر ۲۰۱۶

کشته‌های کنگره بیستم

۱

پس از خروج قوای اتحاد شوروی از بوداپست در ۲۰ اکتوبر سال ۱۹۵۶، خودسری‌ها در خیابانهای پایتخت مجارستان اوج گرفت، و شمار تلفات انسانی به شدت افزایش یافت. تاجر سوئسی به خبرنگاران گزارش داد: "امروز، هنگامی که من از بوداپست خارج می‌شدم، انسانهای آویخته از تیرهای کنار دانوب را دیدم. من ۲۰ نفر از به دار آویختگان را شمردم که از میله‌های پرچم و تیرهای چراغ خیابان آویزان بودند".

روزنامه فرانسوی "موند" نوشت که "در خیابانها انسانها را مثل سنگ می‌کشتند"، و این صحنه‌ها بازگشت "سفیدها" در سال ۱۹۱۹ به مجارستان را یادآوری می‌کند. خبرگزاری "آسوشیتدپرس" گزارش می‌دهد: "شکار کمونیستها در خیابانهای پایتخت مجارستان به نوعی سرگرمی مانند سینما تبدیل شده است".

جوخه‌های تحت امر سر تیب بلا کیرای (Бела Кирай) و غیرنظامی یوژف دوداش (Йожеф Дудаш) به ویژه به جنایات هولناک دست می‌زدند. اولی افسر سابق ارتش مجارستان، از رزمندگان جبهه شوروی -المان بود. بلا کیرای در ماه اگست سال ۱۹۴۵ به عضویت حزب کمونیست در آمد و پس از آن رهبری یکی از آکادمی‌های نظامی مجارستان را به عهده گرفت. دوداش نیز در زمان جنگ به فعالیت‌های مخفیعلیه رژیم میکلووش هورتی (Миклош Хорти) روی آورد. دستگیری آنها در سال ۱۹۵۱، وجه مشترک این دو سرکرده شورشی بود. به همین سبب، کارمندان اداره امنیت ملی مجارستان اولین قربانیان "گارد ملی" کیرای و دوداش بودند.

در مقاله روزنامه "دی ولت" المان غربی گفته می‌شد: "مأموران امنیتی در کوه گلرت (Геллерт) دستگیر شدند. صدها نفر از آنها در مناطق دیگر شهر به قتل رسیدند. آنها را که به نگارخانه‌های زیرزمینی پناه برده بودند، ده‌ها-ده‌ها غرق کردند. در جای دیگر چهل نفر از آنها را به لای دیوار چنین نگارخانه‌ها گذاشتند". روزنامه "نورنبرگر ناخ ریشر" نوشت، شورشیان سالون‌های متری زیرزمینی را که افراد تحت تعقیبدر آنها پنهان شده بودند، با آب پر کردند.

دوداش مبتلاء به ماجراجویی از ارتکاب جرم و جنایت آشکار اجتناب نکرد. جوخه‌های او به بانک ملی مجارستان هجوم برده، یک میلیون فورینت (واحد پول مجارستان م.م) آن را به سرقت بردند. هزاران جنایتکار دیگر نیز که

شورشیان همراه با زندانیان سیاسی از زندانها آزاد کرده بودند، به غارتگری بی‌امان دست زدند. نفرات وحشت‌زده پولیس در خانه‌ها پنهان شده بودند. تأمین امنیت شهروندان غیرنظامی در حد توان هیچ کس نبود.

سفارت اتحاد شوروی به محاصره مردم خشمگین درآمده بود. دیپلماتهای چینی برای نجات اتباع اتحاد شوروی از اقدامات جزائی احتمالی، کارکنان سفارت و اعضای خانواده گرفتار شده آنها را با خودروهای خود زیر پرچم جمهوری خلق چین از آنجا خارج کردند.

ضد انقلابیون به هر دلیلی برای سواری‌های دیپلماتیک چینی مزاحمت ایجاد نکردند.

اعضای دفتر سیاسی کمیته مرکزی که به طور مرتب در جریان اخبار حوادث قرار می‌گرفتند (همه روزه جلسه تشکیل می‌دادند)، اعتراف می‌کردند، که احساسات بعد از خروج نیروهای اتحاد شوروی فروکش نکرده، خودسری‌ها در بوداپست و سایر شهرهای مجارستان بیداد می‌کند. به همین سبب، خروشچف در جلسه ۳۱ اکتوبر تصمیم گرفت بیانیه مصوبه دو روز قبل در خصوص مناسبات بین اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و تصمیم مصرح در آن در باره خروج قوای اتحاد شوروی را مورد بازبینی قرار دهد. بر اساس صورت‌جلسه این اجلاس، **خروشچف** (Хрущев) گفت: "ما باید مبتکر برقراری نظم در مجارستان باشیم. خروج ما از آنجا باعث تشجیع امریکائی‌ها، انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها می‌شود. آنها به ضعف ما پی می‌برند و حمله خواهند کرد... وضعیت ما را حزب ما درک نمی‌کند. ما گزینه دیگری نداریم".

مولوتوف (Молотов) ضمن پشتیبانی از خروشچف، بیانیه روز گذشته را چنین ارزیابی می‌کند: "راهکار دیروز بی‌مورد بود". **ژوکوف** (Жуков)، **بولگانین** (Булганин)، **کاگانویچ** (Каганович)، **واراشیلوف** (Ворошилов)، **سابوروف** (Сабуров) نیز به خروج نیروها رأی دادند. تصمیم گرفته شد "دولت موقت انقلاب" تشکیل شود. مقرر گردید **ف. مونیخ** (Ф. Мюнних)، عضو کارآموده حزب به عنوان رئیس دولت انتخاب شود (او هم مثل **راکوشی-Ракоши** پس از آزادی از اسارت روسیه در جنگ جهانی اول به حزب کمونیست پیوسته بود). در صورت‌جلسه تصمیم جمعی اعضای دفتر سیاسی کمیته مرکزی نوشته شده است: "با موافقت **ناد** (Надь)، او را به عنوان معاون انتخاب می‌کنیم. مونیخ از ما تقاضای کمک می‌کند، ما به کمک می‌رویم و نظم برقرار می‌کنیم. صحبت با **تیتو** (Тито) اطلاع‌دهی به رفقای چین، چک، رومانی، بلغار. جنگ بزرگی نخواهد بود... اعزام خروشچف و **مالنکوف** (Маленков) به یوگسلاوی".

۳۱ اکتوبر خروشچف و مالنکوف برای مطلع ساختن رهبری رومانی و همچنین، رهبری چکوسلاواکی که در آنجا بود، به بخارست پرواز می‌کنند. پس از آن برای اطلاع دادن به رهبری بلغارستان به صوفیه می‌روند.

اول نومبر جلسه هیأت سیاسی کمیته مرکزی بدون حضور خروشچف و مالنکوف تشکیل گردید، و در آن، **میکایان** (Микоян) و **سوسلوف** (Суслов) که از مجارستان برگشته بودند، حضور داشتند. میکایان اظهار داشت: "خروج نیروها خواست عمومی بود. در شرایط کنونی حمایت از دولت موجود بهتر است. امروز زور به حل مشکل کمک نمی‌کند. صحبت لازم است. باید ۱۰-۱۵ روز تحمل کرد. سوسلوف غمگینانه اظهار داشت، که "فقط به کمک اشغال، می‌توان دولت تحت حمایت ما بر سر کار آورد". ژوکوف با اعتراض به آنها گفت: "دلیلی برای بازبینی تصمیم ۳۱ اکتوبر وجود ندارد. با نظر میکایان مبنی بر حمایت از دولت کنونی موافق نیستم". **شپیلوف** (Шепилов) با پشتیبانی از او گفت: "اگر به راه تعیین‌کننده گام نگذاریم، اوضاع در چکوسلاواکی تکرار می‌شود. برقراری نظم با قدرت ممکن است".

در این روز در بوداپست ایمره ناد (Имре Надь) اعلام کرد که بلغارستان به زودی از پیمان ورشو خارج می‌شود. ناد به نمایندگی از دولت از ملل متحد کمک نظامی تقاضا کرد. کادار (Кадар)، میوننیخ (Мюнних)، باتا (Бата) و سایر شخصیت‌های برجسته حزب کمونیست مخفیانه از بوداپست خارج شده، به مسکو آمدند. دوم نومبر آنها در جلسه هیأت سیاسی کمیته مرکزی شرکت کردند. آنها از بیدادگری‌های ضدانقلاب خشمگین بودند، با این حال، کادار به ورود نیروهای اتحاد شوروی اعتراض کرد: "حفظ مجارستان با نیروی نظامی؟ در این صورت، رویارویی خواهد بود. سرکوبی با نیروی نظامی، خونریزی؟ موقعیت اخلاقی به صفر خواهد رسید. به کشورهای سوسیالیستی آسیب خواهد زد." فقط باتا با قاطعیت گفت: "دیکتاتوری نظامی لازمه برقراری نظم است". روز بعد، سوم نومبر، کادار کمافی‌السابق پر از شک و شبهه بود: "تسلیم کشور سوسیالیستی به نیروهای ضدانقلاب ممکن نیست. اما... همه مردم در جنبش شرکت می‌کنند".

در این روزها (دوم و سوم نومبر) بیش از ۱۰۰ (صد) هواپیمای حامل تسلیحات و مهمات برای شورشیان از اتریش به مجارستان آمد. کمی بعد اعلام کردند که در حدود ۶۰ هزار نفر از پیروان هورتی (Хорти) و سالاش (Салаш) به مجارستان نفوذ کرده است. ایمره ناد طی مصاحبه خود با "ژورنال د ایتالیا" تصریح کرد، که به زودی مجارستان "به مثابه کشور دمکراتیک غربی اداره خواهد شد". سوم نومبر، کاردینال میندسنتی (Миндсенти) طی سخنانی از رادیو اظهار داشت: "ما می‌خواهیم ملت و کشور مبتنی بر مالکیت خصوصی باشیم".

عصر روز دوم نومبر خروشچوف و مانکوف مخفیانه به اقامتگاه تیتو در جزیره بریونی (Бриони) رفتند. ملاقات با تیتو از ساعت ۷ عصر دوم نومبر تا ساعت ۵ صبح سوم نومبر طول کشید. خروشچوف آشکارا دست‌پاچه شده بود. به گواهی میچونویچ (Мичунович)، او گفت: "مردم خواهند گفت، تا زمانی که ستالین بود، همه گوش می‌کردند، هیچ حادثه تکانه‌دهنده‌ای روی نمی‌داد، اما حالا، همین که آنها پس از او به قدرت رسیدند، روسیه شکست خورد، مجارستان را از دست داد". خروشچف به طور غیرارادی مجبور بود به شکست سیاست خود به تناسب آن، که کشور اتحاد شوروی و متحدان اروپائی آن با کدام عواقب "افشاگری" او در کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی، و همچنین، از بی‌اعتنائی به مجارستان و تزلزل وی در جلسه اواخر اکتوبر - اوایل نومبر سال ۱۹۵۶ هیأت سیاسی کمیته مرکزی مواجه شدند، اعتراف کند.

سرکوبی ضدانقلاب

در این میان، وزیر دفاع، مارشال گنورگی ژوکوف (Георгий Жуков)، بر اساس مصوبه ۳۱ اکتوبر هیأت سیاسی کمیته مرکزی به طراحی عملیات "ویخر" (Вихрь) پرداخت که در اجرای آن می‌بایست لشکرهای تانک، زرهپوش، پیادمنظام و هوائی مشارکت می نمودند. این مجموعه مرکب از ۶۰ هزار سرباز و بیش از ۳ هزار دستگاه تانک و سایر تجهیزات نظامی بود. علاوه بر نیروهای اتحاد شوروی، بخشی از ارتش خلقی مجارستان می‌بایست وارد عمل شود.

فرمانده کل نیروهای مسلح کشورهای عضو پیمان ورشو، ایوان کانف (Иван Конев) طی امریه ۴ نومبر خود اعلام نمود، که شورش در مجارستان "با هدف نابود کردن ساختار ملی -دموکراتیک، محور دستاوردهای انقلابی زحمتکشان و بازسازی... نظام فئودالی -سرمایه‌داری" به راه افتاده است. روند حوادث نشان داد که شرکت فعال هورتی‌های سابق در این ماجراجویی به نوزائی فاشیسم در مجارستان، ایجاد خطر مستقیم علیه میهن ما و همه اردوگاه سوسیالیستی منجر می شود. نباید فراموش کرد، که در جنگ گذشته مجارستان در جبهه آلمان هیتلری علیه کشور ما جنگید. مارشال از سربازان خواست با انجام وظیفه نظامی خود، شورش ضدانقلابی را سرکوب نمایند.

در حوالی ساعت ۶ بامداد روز چهارم نومبر سال ۱۹۵۶ نیروهای اتحاد شوروی به بوداپست و دیگر شهرهای بزرگ مجارستان وارد شدند. به منظور اجتناب از تلفات در میان شهروندان غیرنظامی، طرح بمباران هوایی بوداپست ملغا گردید. در این هنگام بیانیه دولت انقلابی کارگری-دهقانی مجارستان به ریاست یانوش کادار (Янош Кадар) از رادیو پخش گردید. در آن گفته می‌شد: "نیروهای سوسیالیستی مجارستان خلقی همراه با واحدهای ارتش اتحاد شوروی که به درخواست دولت انقلابی کارگری-دهقانی مجارستان برای کمک آمده‌اند، وظیفه خود را فداکارانه انجام دادند".

همزمان با آن، ایمره ناد از رادیو صحبت کرد. او گفت: "امروز صبح زود نیروهای مسلح اتحاد شوروی به منظور ساقط کردن دولت قانونی و دموکراتیک مجارستان به کشور ما حمله کردند. ارتش ما می‌جنگد. همه اعضای دولت در محل کار خود می‌مانند". با این حال، اکثریت قریب به اتفاق نیروهای مجارستان از دولت ناد اطاعت نکردند. فقط سه کتدک، ۱۰ قطعه ضدهوایی و چند کتدک استحکام در مقابل واحدهای اتحاد شوروی و ارتش ملی مجارستان به مقاومت دست زدند. سخنان ناد در خصوص آمادگی اعضای دولت برای ماندن در محل کار خود نیز با واقعیت انطباق نداشت. فرمانده "گارد ملی"، جنرال بلا کیرای به اتریش فرار کرد. ایمره ناد در سفارت یوگسلاوی مخفی شد.

علیه قوای نظامی اتحاد شوروی و مجارستان به طور عمده گروه‌های شورشی، همراه با اعضای جوخه‌های دوداش جنگیدند. در روند نبردها آنها توانستند ۱۸ تانک و توپ خودکشی، ۹ زرهپوش، ۶ سلاح ضدهوایی و دیگر تجهیزات نظامی را بزنند. تلفات انسانی ارتش اتحاد شوروی شامل ۶۶۹ کشته، ۱۵۴۰ زخمی و ۵۱ نفر ناپدید بود. تلفات ارتش ملی مجارستان عبارت بود از: ۵۱ نفر کشته و ۲۸۹ زخمی.

در جریان نبردها که تا ۷ نومبر ادامه یافت، ۲۶۵۲ شورشی کشته شد. نیروهای اتحاد شوروی و مجارستان با سرکوب شورش، مقدار معتنهایی تفنگ المانی امپی -۴۴، مسلسل‌های دستی المانی امجی -۳۴ و امجی -۴۲، مسلسل دستی امریکائی "تامپسون"، کلت‌های امریکائی، برونینگ بلجیمی، والتز المانی به غنیمت گرفتند. از این تسلیحات نه تنها در کشتارهای خیابانی، حتی در جنگها علیه نیروهای اتحاد شوروی و مجارستان نیز استفاده می‌شد.

نزدیک به ۳۰۰ شورشی اعدام گردید. یوژف دوداش نیز جزو اعدام شدگان بود. ۲۲ نومبر ایمره ناد را به بهانه فراری دادن به رومانی، از سفارت یوگسلاوی خارج کردند و سپس او بازداشت شد. ۱۶ جون ۱۹۵۸ نخست وزیر سابق مجارستان تیرباران گردید. کاردینال میندسنتی، که ۴ نومبر در سفارت امریکا مخفی شد، تا سال ۱۹۷۱ در آنجا به سر برد. به مناسبت ۷۹ سالگی او، به وی اجازه دادند به وین بروند که قبلا ۴ سال در آنجا اقامت داشت.

چند هزار نفر شورشی دستگیر و به مجازات حبس در زندانها یا اردوگاه‌ها محکوم گردید. در سال ۱۹۶۳ همه آنها عفو شدند. در همین حال، دولت کادار مرز اتریش را به طور موقت باز کرد تا علاقه مندان بتوانند از مجارستان خارج شوند. در حدود ۲۰۰ هزار نفر از مجارستان خارج شد.

ادامه دارد...

<http://www.sovross.ru/articles/1475/27965>

۳۰ آذر قوس ۱۳۹۵